

برگزاری نشست «چک نویسی» در هنرخانه «درخت»



نشست «چک نویسی» یا «چرک نویسی» ۲۰ شهریور، ساعت ۱۷ در هنرخانه «درخت» (واقع در صیاد شیرازی ۲۴) برگزار می‌شود.
در این نشست که با حضور سید جواد اشکذری (نویسنده، کارگردان تئاتر و روزنامه‌نگار)، جواد علیزاده (نویسنده و کارگردان سینما) و علی شیبانی (داستان نویسی، نمایشنامه‌نویس و بازیگر) برگزار می‌شود، نقدی بر پشت نویسی در سینما و تئاتر (از روایت تا متن) ارائه خواهد شد.

اکران فیلم کوتاه «ماده ۳۵۱» در سینما برقی



فیلم کوتاه «ماده ۳۵۱» جمعه ۲۰ شهریور ساعت ۱۶ در پردیس سینمایی برقی (واقع در بولوار جانباز) با حضور هنرمندان به نمایش در می‌آید.
این اثر به نویسندگی یحیی مبارکی، کارگردانی مهرداد الهی و تهیه‌کنندگی داوود اسلام‌زاده سال گذشته در مشهد تولید شده است.

نگارستان

نمایشگاه عکس «بی‌هوا» این روزها در نگارخانه فردوسی برپاست

ثبت زیبایی‌های پنهان در دل شهر



ریحانه موسوی

نمایشگاه گروهی عکس «بی‌هوا»، حاصل تلاش هنرجویان ایمان جنتی، یکی از عکاسان مشهدی این روزها در نگارخانه فردوسی میزبان علاقه‌مندان به هنر عکاسی است. این نمایشگاه با رویکردی واقع‌گرایانه و در عین حال هنرمندانه، به ثبت لحظات ناب و بی‌تکلف زندگی شهری می‌پردازد. عنوان «بی‌هوا» به خوبی منعکس‌کننده ماهیت آثار است. عکس‌هایی که بدون برنامه ریزی قبلی و در لحظاتی گذرا، اما پرمعنا شکار شده‌اند. در این مجموعه، پیبنده با تصاویری روبه‌رو می‌شود که تفاوت نسل‌ها، سادگی‌های کودکانه و تأملات بزرگ سالان را در بستری از فضای شهری به نمایش می‌گذارد.

از شور و نشاط جوانی در حال دمیدن حباب‌های صابون گرفته تا نگاه‌های عمیق و پرمعنائی افراد مسن‌تر، هر عکس داستانی ناگفته از زندگی را روایت می‌کند. این نمایشگاه، فرصتی است تا مخاطبان با نگاهی تازه به پیرامون خود بنگرند و زیبایی‌های پنهان در زندگی روزمره را کشف کنند. «بی‌هوا» نه تنها معرف استعداد‌های نوظهور در عرصه عکاسی است، بلکه تجربه‌ای بصری و تأمل‌برانگیز را برای هر بازدیدکننده به ارمغان می‌آورد و او را به دنیای پویای زندگی شهری دعوت می‌کند.

«بی‌هوا» بی‌تعریفی از «کاندید فتوگرافی»

ایمان جنتی، مدرس عکاسی و برگزارکننده این نمایشگاه، گفت: یکی از سبک‌های عکاسی خیابانی «کاندید فتوگرافی» است؛ به این معنی که در یک لحظه یک اتفاق می‌افتد و عکاس آن را ثبت می‌کند. و قبل و بعد از آن اتفاق، عکاس و سوژه به آن فکر نکرده‌اند. بهترین معنایی که در فارسی برای «کاندید فتوگرافی» وجود دارد عکاسی «بی‌هوا» است. وی ادامه داد: هنرجویان در پایان دوره عکاسی با یک پروژه پایان ترم روبه‌رو هستند، به همین دلیل تصمیم گرفتیم نمایشگاه گروهی داشته باشند. قرار بر این شد تا برای آن یک موضوع انتخاب شود، در ابتدا موضوع چیز دیگری بود و هنرجویان چند ماه با همان محور عکاسی کردند، اما در میانه راه به این نتیجه رسیدیم که موضوع را تغییر دهیم و عکاسی خیابانی را انتخاب کردیم.

عکاسی خیابانی، زیر شاخه‌های عکاسی مستند است

جنتی عکاسی خیابانی را یکی از زیرشاخه‌های عکاسی مستند برشمرد که همیشه به عنوان یک ژانر جذاب در عکاسی به آن توجه شده است. او در این باره توضیح داد، دوست داشتم هنرجویانم فارغ از شاخه‌های مختلفی که به آن علاقه دارند، با یکی از مهم‌ترین شاخه‌های عکاسی یعنی، مستند، به‌طور ویژه و جدی آشنا شوند. او که هنراًموخته رشته فیلم‌سازی از انجمن سینمای جوانان است و بیش از هفده سال به عکاسی اشتغال دارد، در ادامه گفت: دوست دارم فارغ از تمام درگیری‌هایی که همه انسان‌ها در طول روز دارند، یک لحظه به اتفاقی که بسیار ساده است و هر روز از جلوی چشمان ما عبور می‌کند و آن قدر بی‌اهمیت تلقی می‌شود که درباره آن صحبت نمی‌شود و در خاطره‌ها نیز نمی‌ماند (توجه شود)؛ شاید مخاطب با دیدن عکس‌هایی از این دست به این فکر فرو رود که همه ما مردم نیاز داریم در طول روز به اتفاقات کوچک و لحظه‌ای و به‌ظاهر بی‌اهمیت، اهمیت دهیم، آن‌ها را ثبت کنیم یا در خاطرم‌ان نگه داریم. وی از روی آوردن هنرجویان به عکاسی با موبایل و با کار در استودیوهای که لوازم و تجهیزات عکاسی در اختیارشان قرار می‌دهند، در اثر گرانی دوربین و تجهیزات گفت: با وجود افزایش سرسام‌آور قیمت دوربین و تجهیزات، هنوز هم اگر کسی کار حرفه‌ای و دقیق انجام دهد می‌تواند جایگاه خود را در دنیای عکاسی پیدا کند. جنتی معتقد است عکاسی به واسطه عملی بودن و درعین حال هنری بودن، صرفاً مقوله‌ای علمی که در کتاب‌ها درباره آن صحبت شود نیست. او ادامه داد: همیشه به هنرجویانم توصیه می‌کنم کتاب بخوانند. با آثار عکاسان بزرگ تاریخ آشنا شوند و اطلاعات فنی و زیبایی‌شناختانه خود را بالا ببرند. عکاس نیاز دارد عکس‌های خوب با مرجع و دسته‌بندی مناسب ببیند. پیشنهاد من به هنرجویان این است که در سایت‌های تخصصی عکاسی، آژانس‌های معتبر عکاسی و وب‌سایت‌های موزه‌ها و کتابخانه‌های معتبر دنیا عکس ببینند و پس از آن هم عکاسی کنند. عکاسی هنری کاملاً عملی است و باید همه دانش خود را در لحظه ثبت عکس به کار بگیریم. مدرس عکاسی مشهد با باور به اینکه مشهد در زمینه هنر عکاسی همیشه جایگاه ویژه‌ای نسبت به سایر شهرها داشته است، درباره آن بیان کرد: در سال‌های اخیر نسبت به دهه ۹۰ماجرای عکاسی کمی به حاشیه رفته و می‌تواند جایگاه خود را قوی‌تر از قبل کند. باهمت نهاد‌های مربوطه آینده خوبی در حوزه عکاسی برای این شهر وجود دارد، زیرا مشهد عکاسان خوبی دارد، چه آن‌هایی که هنوز اینجا هستند و چه آن‌هایی که از این شهر به پایتخت مهاجرت کرده‌اند. وی در پایان از چالش‌های عکاسی خیابانی سخن گفت و توضیح داد: عکاسی خیابانی همیشه با محدودیت همراه بوده است؛ چه از سمت نهاد‌های امنیتی و چه از سمت مردم. اما یک عکاس خیابانی باید بداند در چه جاهایی برای مردم مزاحمت ایجاد نکند و مسائل امنیتی را رعایت کند.



گفت وگو با عوامل مجموعه «رکاب پیشرفت» که این روزها روی آنتن شبکه یک رفته است

«پیشرفت» به روایت دوربین و دوچرخه



دوچرخه سوار را راهی جاده‌های ایران کرده است تا بخشی از ظرفیت‌های اقتصادی، صنعتی، فرهنگی و طبیعی کشور را به شکلی متفاوت به تصویر بکشد. درواقع در این برنامه دوچرخه سواران فقط راوی نیستند؛ آن‌ها بخشی از خود روایتند. یعنی مخاطب در کنار آشنایی با پروژه‌ها و توانمندی‌های کشور، با تجربه‌های روزمره سه‌گوشگر دوچرخه سوار نیز همراه می‌شود. از رکاب

شکیبا افخمی‌راد

مجموعه «رکاب پیشرفت» از شنبه تا چهارشنبه ساعت ۱۷ روی آنتن شبکه یک می‌رود. مستندی که به جای ایستادن مقابل کارخانه‌ها و پروژه‌های عمرانی و ارائه گزارشی مستقیم از دستاوردهای کشور، سه



پیشرفت با نیروی خودمان



سلطان آبادیان درباره چرایی انتخاب دوچرخه در برنامه «رکاب پیشرفت» می‌گوید: این وسیله به ساده‌ترین شکل ممکن حرکت می‌کند و نیروی محرکه اش خود انسان است. درواقع دوچرخه می‌تواند استعاره‌ای از مسیری باشد که برای پیشرفت باید طی شود؛ حرکتی متکی بر توان و نیروی خود. او تأکید می‌کند این شباهت برایش جذاب بوده است؛ اینکه دوچرخه با رکاب زدن پیش می‌رود و پیشرفت اقتصادی و فرهنگی کشور نیز قرار است با اتکا به توان مردم و ظرفیت‌های داخلی معنا پیدا کند. همین نگاه باعث شده حضور سه دوچرخه سوار در برنامه فقط یک انتخاب فرمی نباشد، بلکه با محتوای اصلی مجموعه ارتباط پیدا کند. این عکاس که باور دارد دوچرخه برای مردم همیشه جذاب است یادآور می‌شود: در سفرهای مختلف بارها دیده‌ام که مردم با دیدن دوچرخه سواران واکنش مثبتی نشان می‌دهند، شاید چون دوچرخه برای بسیاری یادآور آرزوهای کودکی و نوجوانی است؛ آرزوی سفر کردن، جاده رفتن و کشف کردن. درواقع همین هم ذات‌پنداری می‌تواند دیدن موضوع‌های صنعتی و اقتصادی را برای مخاطب عمومی ساده‌تر و جذاب‌تر کند.

تجربه‌های متفاوت

یکی از تجربه‌هایی که برای این‌رکاب زن مشهدی غیرمنتظره بوده، بازدید از یک مجموعه بزرگ گلخانه‌ای است؛ مجموعه‌ای مجیز به فناوری‌های روز که برای مقابله با آفات از زنبورهای مخصوص استفاده می‌کرد. به گفته او، این زنبورها در گذشته از کشورهای مانند هلند وارد می‌شدند. اما اکنون امکان تکثیر آن‌ها در داخل فراهم شده است.

سلطان آبادیان که حدود شانزده کشور دنیا را رکاب زده است می‌گوید پیش از این سفر تصور نمی‌کرد در کشور خودش با چنین ظرفیت‌هایی روبه‌رو شود. تماشای طبیعت ایران هم برای او دست‌کمی از دیدن پیشرفت‌های صنعتی کشور نداشته است. لرستان و چهارمحال و بختیاری از جمله مناطقی بوده‌اند که به واسطه برنامه «رکاب پیشرفت» برای اولین بار سفر کرده و زیبایی‌های طبیعتشان برایش غافل‌گیرکننده بوده است.

سه غریبه که هم سفر شدند

سه رکاب‌زن در نخستین قسمت در یزد کنار هم قرار گرفتند؛ علی منصوری از ساوه، مهدی گلشن‌نیا از یزد و حمید سلطان آبادیان از مشهد. آن‌ها پیش از شروع پروژه یکدیگر را نمی‌شناختند. اما یک وجه مشترک داشتند: هر سه با سفرهای سخت و طولانی با دوچرخه بیگانه نبودند.

سلطان آبادیان می‌گوید همین تجربه مشترک باعث شد خیلی زود با هم ارتباط برقرار کنند. درواقع سفر، آن‌ها را به دوستانی تبدیل کرد که حتی پس از پایان تصویربرداری نیز ارتباطشان ادامه پیدا کرده است و برای سفرهای دیگری با یکدیگر برنامه ریزی کرده‌اند.

او در بخش دیگری از صحبت‌هایش درباره تجربه حضور خود مقابل دوربین بیان می‌کند: در ابتدای کار حضور مقابل دوربین سخت بود و

احساس می‌کردم باید بازی کنم، اما به مرور این حس از بین رفت. این عکاس خودش به امین امانی، کارگردان مجموعه نیز پیشنهاد داده تا اجازه دهد سه رکاب‌زن همان آدم‌هایی باشند که در سفرهای واقعی هستند. بدون دیالوگ‌های تصنعی و رفتارهای از پیش تعیین‌شده. به گفته او، کارگردان نیز این فضا را پذیرفته و در بخش‌های زیادی از برنامه، گفت‌وگوها و رفتارها طبیعی بوده است. سه دوچرخه سوار در جاده با هم صحبت می‌کردند. رکاب می‌زدند و زندگی روزمره سفرشان را جلوی دوربین ادامه می‌دادند. درواقع تنها بخش‌هایی که به داستان هر قسمت مربوط می‌شده، طراحی شده بوده است.

خرابی دوچرخه هم وارد قصه شد ● مجموعه «رکاب پیشرفت» اتفاقات معمول سفر با دوچرخه نیز برای جذاب‌تر شدن روایت به کار گرفته شده است. پنچری، خرابی دوچرخه یا پیدا کردن محل اقامت، چیزهایی هستند که در سفر یک سائیکل توریست کاملاً طبیعی‌اند، اما در «رکاب پیشرفت» بهانه‌ای برای رسیدن به یک مقصد تازه بوده‌اند. همین موضوع نیز این برنامه را از سایر برنامه‌های گزارشی و گفت‌وگو محور متمایز می‌کند.

سلطان آبادیان نمونه‌ای از این اتفاق را توضیح می‌دهد: در یکی از قسمت‌ها، خرابی دوچرخه یکی از سائیکل توریست هاتبدیل به مسیر ورود به یک کارخانه فولاد می‌شود. به این ترتیب، چالش واقعی سفر به بخشی از داستان تبدیل شده و رکاب‌زن‌ها از دل یک اتفاق معمولی وارد یک فضای صنعتی می‌شوند.

فاصله داشتن از سفر واقعی با دوچرخه

یکی از تصاویری که در مستند دیده می‌شود، برپا کردن چادر و زندگی شبانه در مسیر است؛ اما پشت این تصاویر، واقعیت تولید یک مستند تلویزیونی قرار دارد. سلطان آبادیان می‌گوید، رکاب‌زنان ترجیح می‌دادند شب‌ها در چادر بمانند، اما برای سایر گروه تولید چنین شیوه‌ای از سفر دشوار بوده است. در نتیجه، برپایی چادر بیشتر بخشی از روایت تصویری مستند بود تا بازتاب کامل سبک سفر گروه.

او با اشاره به تفاوت‌های مهم میان «سفر واقعی با دوچرخه» و «ساخت یک مستند درباره سفر با دوچرخه» بیان می‌کند: تحقیقات و پژوهش‌های اولیه حدود شش ماه پیش از فیلم‌برداری انجام شده بود و سوژه‌ها و مسیر کلی هر استان تعیین شده بود. با این حال، در طول سفر اتفاقات پیش‌بینی نشده‌ای نیز رخ داد؛ از جمله دیدار با عشایر یا آشنایی اتفاقی با خانواده یک شهید در یزد که به بخشی از تجربه سفر تبدیل شد. به گفته این عکاس در طرح اولیه قرار بود حضور دوچرخه سوارها در جاده‌گسترده‌تر باشد. آن‌ها شب‌را در مسیر سپری‌کنند و صبح گروه تولید به آن‌ها ملحق شود تا زندگی یک سائیکل توریست به شکل کامل‌تری ثبت شود. اما محدودیت زمانی و مالی، شکل نهایی پروژه را تغییر داد. سلطان آبادیان می‌گوید بسیاری از مسیرها را آن‌ها با دوچرخه طی می‌کردند، در حالی که عوامل با خودرو به محل بعدی می‌رفتند و مستقر می‌شدند. گاهی نیز به دلیل فشرده‌گی برنامه، دوچرخه‌ها روی خودرو قرار می‌گرفت و بخشی از مسیر با ماشین طی می‌شد؛ اتفاقی که

برای یک دوچرخه سوار چندان خوشایند نیست. به گفته او، یکی از سخت‌ترین بخش‌های پروژه همین بود؛ عبور با خودرو از جاده‌هایی که آن‌قدر زیبا بودند که سه رکاب‌زن ترجیح می‌دادند آن مسیرها را با دوچرخه طی کنند. این هنرمند یادآور می‌شود: ویژگی سفر با دوچرخه برای یک عکاس، همین حرکت آهسته و پیوسته است؛ فرصتی برای دیدن دقیق‌تر محیط. توقف، عکاسی و مکث. سرعت بالای تولید تلویزیونی اما گاهی اجازه چنین مکثی را نمی‌دهد.

دوربین در دست رکاب‌زن مشهدی

سلطان آبادیان یکی از دلایل حضورش در پروژه را علاوه بر سابقه دوچرخه‌سواری، عکاسی می‌داند. در بسیاری از بخش‌های مستند او دوربین به دست دارد و از بناها، طبیعت و مجموعه‌هایی که وارد آن‌ها می‌شود عکاسی می‌کند. از نگاه او، این عکس‌ها می‌توانند بخشی از مستندسازی تصویری از وضعیت امروز ایران باشند؛ تصاویری که شاید سال‌ها بعد ارزش دیگری پیدا کنند. برای مثال ممکن است یک کارخانه، پروژه عمرانی یا مجموعه‌ای که امروز در حال فعالیت است، در سال‌های آینده تغییر کند یا حتی آسیب ببیند، اما عکس می‌تواند سندی از آن مقطع زمانی باشد.

این هنرمند درگذشته نمایشگاهی در کوالالامپور با موضوع زیبایی‌های ایران برگزار کرده و حالا امیدوار است مجموعه تازه‌ای از تصاویر ایران را با ترکیبی از طبیعت، تاریخ، فرهنگ و دستاوردهای اقتصادی و عمرانی کشور در قالب یک نمایشگاه ارائه کند.

به گفته سلطان آبادیان، «رکاب پیشرفت» در شرایطی روی آنتن رفته که دیدن تصاویر طبیعت، شهرها و دستاوردهای کشور می‌تواند برای مخاطب حس متفاوتی ایجاد کند. از نگاه او تیتراژ برنامه نیز بر همین مفهوم حرکت تأکید دارد؛ سه دوچرخه سوار که در جاده‌های سرد و برفی همچنان رکاب می‌زنند و متوقف نمی‌شوند.

پیشرفت از زاویه سه نسل

بهروز شهیدان‌نژاد، تهیه‌کننده مجموعه مستند «رکاب پیشرفت»، درباره ایده اولیه ساخت آن می‌گوید: هدف ما معرفی بخشی از پیشرفت‌ها و دستاوردهای کشور بود. اما نمی‌خواستیم این موضوع را در قالب یک برنامه گزارشی معمول دنبال کنیم. از همین رو سه سائیکل توریست انتخاب شدند تا خود سفر تبدیل به ابزار روایت شود.

به گفته او این سه دوچرخه سوار از سه نسل متفاوت انتخاب شدند؛ یکی متعلق به نسل پیش از انقلاب که جانباز است، قله‌های ایران را فتح کرده و تجربه رکاب‌زنی در سه کشور خارجی را دارد؛ نفر دوم از نسل دوران انقلاب است و تمام ایران را با دوچرخه پیموده و نفر سوم حمید سلطان آبادیان از نسل پس از انقلاب است که علاوه بر عکاسی تجربه رکاب‌زنی در چندین کشور آسیایی را در کارنامه دارد.

پیشرفت فقط کارخانه و ساختمان نیست

تهیه‌کننده «رکاب پیشرفت» تأکید می‌کند که محور اصلی برنامه، «پیشرفت» است؛ اما قرار

